

**[A Persian translation of a Tribute by the Universal House of Justice  
on the Occasion of the Centenary Commemoration of the  
Ascension of 'Abdu'l-Bahá]**

ترجمه‌ای از

تجلیلی توسط بیت العدل اعظم

به مناسبت صدمین سال صعود حضرت عبدالبهاء

(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

صد سال از صعود روح پرفتوح حضرت عبدالبهاء به مقرّ سرمدیش می‌گذرد. تولّد مبارکش با طلوع عصر رسولی امر الهی مقارن و صعود آن حضرت غروب خورشید آخرین عهد آن عصر را گواه بود. برای این حقیقت که وجود حضرت عبدالبهاء تا چه حد تجلی‌گاه قوای روحانی اتحاد و اتفاق بود شاهدی گویاتر از صحنه مراسم تشییع عرش مبارک قابل تصوّر نیست، صحنه جمعیتی عظیم از مردم ماتم‌زده از هر قوم و آیین این سرزمین که گرد هم آمدند تا در فقدان و فرقتی که جمعاً و مشترکاً احساس می‌کردند سوگواری نمایند. در زمان حیات عنصری هیکل مبارک بسیاری از نفوسی که به امر مبارک اقبال نمودند صرفاً با نظاره آن حضرت مجذوب روح تعالیم الهی گردیدند. امروز هم اگر بخواهیم زندگی خود را با روح همان تعالیم منطبق نماییم به مثل اعلای آن مولای حنون که گفتار و رفتارش بازتاب نور ساطع از ظهور حضرت بهاء‌الله بود می‌نگریم.

از هر جهت که بنگریم مثل اعلای آن حضرت جنبه اصلی هویت بهائی است. هر یک از پیروان حضرت بهاء‌الله برای درکی بهتر از نحوه نشر انوار آیین الهی و بیدار کردن استعدادهای روحانی اطرافیان، به حضرت عبدالبهاء به عنوان سرمشق توجه می‌نمایند. نصایح خود طلعت میثاق را که می‌فرماید مبلّغ باید "بی نهایت متأثر باشد" تا کلامش "تأثیر کند" و در عین حال "در نهایت خضوع و خشوع باشد" تا بتواند "با هنگام ملاً اعلی تبلیغ کند" را می‌توان به آسانی در شرح حیات نفوس بیشماری یافت که در اثر مصاحبت با حضرتش تقلیب گردیدند. چه درس‌ها می‌توان آموخت از اینکه چگونه هیکل اطهر تعالیم الهی را به نفوس مختلف و بدون توجه به هرگونه تفاوت اعمّ از وضع ظاهر، زبان، رسم و عقیده معرفی نمود و حلقه وحدت و اتحاد را دائماً وسعت بخشید. فراگیری محبت بی دریغ آن حضرت جامعه‌ای را به وجود آورد که حتی در آن زمان می‌توانست براسستی ادعا نماید که اقشار مختلف اجتماع را در بر گرفته است. مهر و محبت آن حضرت حیات جدید اعطا می‌کرد، تربیت می‌نمود، الهام می‌بخشید، بیگانگی را می‌زداید و همگان را به خوان نعمت حضرت احدیت دعوت می‌نمود. امروز هر یک از مجهودات جامعه‌سازی، هر فعالیت آموزشی و هر ارتباط و تماس با اجتماع با این امید صورت

می‌گیرد که اقدامات ما نیز نشانه‌ای از همان محبتی باشد که آن هیکل مبارک بی‌دریغ نسبت به همگان ابراز می‌داشت. این چنین اقداماتی براستی بهترین تجلی است که در این صدمین سالگرد و در هر روز بعد از آن می‌توان به ساحت آن حضرت تقدیم نمود.

درگاه حضرت بهاء‌الله را شاکر و سپاس‌گزاریم که نه تنها معیاری از اخلاص، فداکاری و تقوا در تعالیم الهی به دنیا اعطا نموده تا نفوس بتوانند برای همیشه از آن الهام گیرند، بلکه هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء را به عنوان مثل اعلی به ودیعه گذاشت تا بدانیم چگونه می‌توان بر طبق آن معیار زندگی کرد. در حالی که بشر با بحران‌های پی‌درپی رو به روست جامعه اسم اعظم هم که ناگزیر در معرض همین آشوب‌ها است از این مزیت بهره‌مند است که سرمشقی چون حضرت عبدالبهاء در پیش رو دارد. هیچ خطری آن حضرت را از انجام مأموریتش باز نداشت و هیچ مانعی، چه در رسیدگی به نیازهای فوری روز و چه در تهیه تمهیدات برای آینده، ایشان را منع ننمود. دشمنی و مخالفت و حوادث عالم آن مولای بی‌همتا را از مسیرش منحرف نساخت. در نهایت سکون و قرار و وقار و بدون تشویش از برخورد با موانع، پذیرای مشقت و بلا در سبیل الهی بود. چه بی‌رحمانه حملاتی که متوجه حضرتش بود و چه جان‌گداز آن وزن گرانی که تحمل می‌نمود. بیان خواهر عالیقدر آن حضرت را به یاد می‌آوریم که اینگونه شهادت می‌دهد: ”در نیمه شب آه سوزان از قلب اطهر مرتفع و در سحرگاهان لحن بدیع مناجات بمسامع اهل علیین متواصل“.

گذشت زمان از حس حیرت و شگفتی ما نسبت به ”شخصیتی که نه فقط در دور حضرت بهاء‌الله بلکه در سراسر تاریخ ادیان مقام فرید و وحیدی را داراست“ (ترجمه) نکاسته است، همانطور که حضرت شوقی افندی تأکید فرموده‌اند:

حضرت عبدالبهاء در رتبه اولی مرکز و محور عهد و میثاق بی‌مثیل و جامع حضرت بهاء‌الله و اعلی صنع ید عنایتش و مرآت صافی انوارش و مثل اعلائی تعالیم و مبین مصون از خطای آیاتش و جامع جمیع کمالات و مظهر کلیه صفات و فضایل بهائی و غصن اعظم منشعب از اصل قدیم و غصن الامر و حقیقت من طاف حوله الأسماء و مصدر و منشأ وحدت عالم انسانی و رایت صلح اعظم و قمر سماء این شرع مقدس بوده و الی الأبد خواهد بود و نام معجزشیم عبدالبهاء به نحو اتم و اکمل و احسن جامع جمیع این نعوت و اوصاف است. و اعظم از کل این اسماء عنوان منبع ”سرّ الله“ است که حضرت بهاء‌الله بنفسه المقدس در توصیف آن حضرت اختیار فرموده‌اند و با آنکه این عنوان به هیچ وجه انتساب مقام رسالت به آن حضرت را توجیه نمی‌کند مع الوصف حاکی از آن است که چگونه خصایص متباینه متعلق به کینونت بشری و علم و کمالات فوق بشری در وجود حضرت عبدالبهاء ممزوج و متحد گشته است. (ترجمه)

همکاران عزیز و محبوب: دعوت این مشتاقان از شما عزیزان برای حضور در ارض اقدس نه فقط برای بزرگداشت یادبود حضرت عبدالبهاء و یادآوری بلائی وارد بر آن وجود نازنین و توفیقات درخشان دوران حیات مبارکش است بلکه برای این نیز می باشد که شما هم به همراه ما، خود و جوامع خویش را بار دیگر وقف خدمت مجددانه به این امر اعظم نمایید، امری که مرکز میثاق امر بهاء وجود و هستی خویش را در راه آن فدا نمود. حضرت عبدالبهاء در اجرای وظایف مقدسی که جمال مبارک به آن حضرت محول فرموده بودند دو منشور جلیل به عالم بهائی مرحمت فرمود که از آن زمان هادی پیشرفت و توسعه امر الله بوده است. یکی الواح نقشه ملکوتی بود که از طریق آن کلام الهی در هر سرزمینی انتشار یافته است و دیگری الواح مبارکه وصایا که فرایند استقرار نظم اداری را به جریان انداخت. حال در پایان اولین قرن عصر تکوین و در آغاز سلسله جدیدی از نقشه های جهانی، پیشرفت روزافزون نقشه ملکوتی مولای حنون را به وضوح مشاهده می نماییم. بسط و تحول ارگانیک نظم اداری طی صد سال گذشته با تأسیس شبکه بسیار وسیعی از مؤسسات و نهادها، از سطح بین المللی تا محلی، به خوبی آشکار و نمایان است، مؤسساتی که روح امر مبارک را جهت می بخشند و مجهودات جامعه جهانی بهائی را هدایت و حمایت می نمایند. عهد و میثاقی که حضرت عبدالبهاء مرکز آن بود بمنزله حصنی حصین همچنان باقی و برقرار است. این مشتاقان از مشاهده اینکه چگونه قوه میثاق همه مؤمنین را به سوی یک رسالت مشترک رهنمون می سازد و حافظ اتحاد پویایی است که موجب پرورش مستمر جامعه مؤمنین می گردد، بسیار شادمانیم.

تأمل در شخصیت حضرت مولی الوری و درک اقتدار همه جانبه آن حضرت که با صبر و شکیبایی و درایت و فراستی بی پایان همراه بود، حکمت بالغه هیکل مبارک که تحت هر شرایطی نمایان بود، رأفت و شفقت بی نهایت آن طلعت نورا و محبت بی حد و حصر او که هر نفس آزاده ای می تواند آن را احساس کند، موجد حیرت و احترامی بی انتها است. اما هر تلاشی برای ستایش خصایص بی نظیر و بی بدیل آن طلعت بی مثال با به یاد آوردن اینکه آن مولای حنون هرگز طالب تمجید و تکریم یا سپاس و قدردانی دنیوی نبود مهار می گردد. لذا خود را ملزم می دانیم این چنین گواهی دهیم: ای محبوب قلوب همگان، ای حضرت عبدالبهاء، تمامی وجود مبارکت عبودیت بود، "عبودیت محضه صرفه حقیقیه ثابتة راسخه واضحه من دون تأویل و تفسیر و تلویح و تشریح". کلمات باقی مانده کلماتی است برای بیان تعهدمان به آن طلعت نورایت و سوگند تمسک به عهد و میثاقی که با حکمت بالغه ات اعلان کردی و از حقانیتش دفاع نمودی، و برای ابراز اطاعت مان با دل و جان از هدایات و منویات ابدیه ات و از بیانات و نصایح مشفقانه ات. جامعه بهائی در سراسر عالم نیز همین تعهد را از طریق استقامت و تلاش های مجددانه در راه اجرای مأموریتی که در این زمان به آن سپرده شده نمایان ساخته است. مشاهده کوشش این جامعه برای پیروی از مثل اعلایت، کلمات مبارکت را به خاطر این جمع می آورد که فرموده ای:

ای یاران الحمد لله علم توحید در جمیع اقالیم بلند است و آهنگ ملکوت ابهی مرتفع از  
ملا اعلی اسرافیل الهی در قلب آفاق نغمه یا بهاء الابهی زند و قوه کلمه الله روح حقیقی بجسد

امکان بخشد پس ای یاران وفا باید کل در جانفشانی و خدمت آستان الهی و عبودیت درگاه  
حضرت نامتناهی سهیم و شریک عبدالبهاء گردید اگر باین موهبت کبری موفق شوید در اندک  
زمانی آفاق بتمامه اقلیم اشراق گردد و دلبر وحدت عالم انسانی در نهایت دلربائی جلوه در قطب  
امکان نماید اینست آرزوی عبدالبهاء اینست منتهی آمال اهل وفا و علیکم البهاء الابهی.